

## پیشگفتار

در جهان امروز تربیت نیروی انسانی یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های تحول و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. چنین تحوّلی تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه طرز تفکر و عمل مدیران و کارگزاران نظام‌های آموزشی به‌ویژه معلمان تحول یابد. محیط‌های آموزشی زمانی می‌توانند اثربخش و کارآمد باشند که کلیه فعالیت‌های آموزشی از معیارهای مشخص علمی برخوردار باشند. یادگیری و تحول صفتی نیست که به زور یا با تحمیل اندیشه و اطلاعات، و به شیوه‌های غیرعلمی بتوان آن را در دیگران به‌وجود آورد. تحول به‌بستر و فضایی اثربخش نیازمند است که بتواند در دانش، روش، منش و نگرش افراد تغییر ایجاد کند. ایجاد چنین بستری به عوامل متعددی چون بافت فرهنگی، وضعیت اقتصادی، و شرایط اجتماعی-سیاسی وابسته است.

علاوه بر عوامل ذکر شده در بالا، محیط‌های آموزشی متناسب با نیازها و اهداف، مجریان آگاه و برنامه‌ریز و معلمان توانمند، همه به نوعی می‌توانند در یادگیری و تحول یادگیرندگان مؤثر باشند. اما آنچه که بیش از همه در کاهش آسیبها و ایجاد فرصت‌های مفید در جهت رشد نسل جوان مؤثر است، روش مدیریت یعنی سازمان‌دهی و هدایت فعالیت‌های آموزشی است.

در فرایند فعالیت‌های آموزشی، معلمان و مدیران مدارس عناصر اصلی و کلیدی تحول نیروی انسانی محسوب می‌شوند. بنابراین باید از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند. معلمانی کارآمد و اثربخش‌اند که با نظریه‌ها، مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت آشنا باشند، و با بینشی هنرمندانه و اقتضایی محیطی را فراهم سازند که به جای انتقال اطلاعات و تحمیل اندیشه، احساس امنیت، شایستگی،

خودکنترلی، و خودتحوالی را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آنها بتوانند شخصاً معمار تعلیم و تربیت خود باشند.

طراحان و مجریان برنامه‌های درسی نیز باید باور کنند که در عصر انفجار اطلاعات معلمان تنها منبع و انتقال‌دهنده دانش و معرفت علمی نیستند. عوامل زیادی در انتقال دانش و شکل‌گیری اندیشه نسل جوان مؤثرند. بنابراین آنها باید طراح، مدیر و جهت‌دهنده فعالیتهای آموزشی باشند. نقش آنها باید سازمان‌دهی، راهنمایی و تسهیل‌گری فعالیتهای آموزش باشد نه صرفاً انتقال اطلاعات و دانش علمی.

براساس چنین باوری بود که سالها پیش تصمیم به نگارش و تألیف کتاب *مهارت‌های آموزشی و پرورشی* گرفته شد. خوشبختانه این کتاب مورد استقبال گسترده بسیاری از همکاران در آموزش و پرورش و دانشگاه، به‌ویژه دانشجویان علوم تربیتی و تربیت معلم، قرار گرفت (اینک چاپ بیست و دوم آن به تیراژ بیست هزار نسخه به چاپ رسیده است).

کتاب *مهارت‌های آموزشی و پرورشی* در سال ۱۳۸۲ پس از یک دهه انتشار به دو جلد تحت عنوان: *مهارت‌های آموزشی و پرورشی* (جلد اول)، *مهارت‌های آموزشی* (جلد دوم) که از نظر محتوا و جوه مشترکی نیز داشتند چاپ و ارائه بازار گردید. استقبال خوب همکاران و دانشجویان سبب شد دوباره با نگاهی نو به سازمان‌دهی و ویرایش آن پرداخته شود. در بازنگری جدید مطالب مشترک و تکراری دو کتاب کاملاً حذف و جلد اول تحت عنوان *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)* چاپ شده است، و جلد دوم نیز تحت عنوان *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (نظریه‌ها و الگوهای تدریس)* پس از بازنگری تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول شامل سه بخش و یازده فصل به شرح زیر می‌باشد:

بخش اول تحت عنوان مبانی نظری تدریس - یادگیری شامل سه فصل است:

فصل اول: مبانی نظری یادگیری

فصل دوم: مبانی نظری تدریس

فصل سوم: ارتباط و نقش آن در فرایند آموزش

این سه فصل اگرچه در چاپهای گذشته نیز با این عناوین وجود داشته است،

اما مباحث آن بازنگری و مطالب جدید زیادی به آن اضافه شده است. بخش دوم تحت عنوان مدیریت و طراحی فعالیتهای آموزشی شامل چهار فصل می باشد که عبارت اند از:

فصل چهارم: مدیریت کلاس درس

فصل پنجم: هدفهای آموزشی و منابع تعیین آنها

فصل ششم: طراحی آموزشی و مراحل تحلیل و تنظیم آن

فصل هفتم: روش تنظیم برنامه های درسی ترمی و روزانه

در این بخش فصل چهارم و هفتم بر مطالب قبلی اضافه شده است.

بخش سوم تحت عنوان اجرای فعالیتهای آموزشی (روشها و فنون تدریس)

شامل فصلهای ذیل است:

فصل هشتم: روشهای تدریس مبتنی بر انتقال مستقیم

فصل نهم: روشهای تدریس مبتنی بر تعامل

فصل دهم: روشهای تدریس مسئله محور

فصل یازدهم: روشهای آموزش انفرادی

محتوای این فصلها نیز کاملاً بازنگری و بازنویسی شده است. علاوه بر افزایش مطالب جدید، به ویژه در حوزه یادگیریهای الکترونیکی، اغلب محتوای جلد دوم در مورد روشهای تدریس به این فصل انتقال داده شده است. اما بخش چهارم که تحت عنوان «ارزشیابی آموزشی» تنها در یک فصل نگارش یافته بود به دلیل وجود منابع متعدد مناسب از یک سو و حجیم شدن مطالب از سوی دیگر حذف گردید.

با توجه به بازنگری محتوای ویرایش جدید، و داشتن ساختار منظم تر، امید است همچون گذشته مورد استقبال و استفاده همکاران و دانشجویان جدید قرار گیرد. از کلیه همکاران و کسانی که با نقد و بررسیهای سازنده مشوق اینجانب در بازنگری کتاب شده اند تشکر و قدردانی می نمایم.

حسن شعبانی

تیرماه ۱۳۹۰